

## ۹ کارسازی در حوزه فرهنگ همیشه مساله جدی

پیش روی نظام اداره کشور بوده است

یکی اصلی ترین سولاتی که پیرامون شورای عالی انقلاب فرهنگی وجود دارد، جایگاه آن در نظام تصمیم گیری کشور است. از دید شما شورا چه نسبتی با نظام حکمرانی دارد. از دید شما شورا در چه نسبتی با نظام حکمرانی قرار دارد؟

مساله علم و فرهنگ در هر جامعه ای جزء مسائل اصلی و بنیادین است. همه کشورها بدون استثنا و فارغ از نوع حکومتی که دارند برای تدبیر و اداره این دو حوزه فکر می کنند. این فکر به لحاظ ساختاری، فرآیندی و بستریهای حقوقی، مسیرهای خودش را دنبال می کند. در کشور ما هم با توجه به فرهنگ ایران و نوع حکومت، مساله علم و فرهنگ، جایگاه خیلی خاص و ویژه ای دارد. ما به این نکته قائل هستیم که ایران یک کشور فرهنگی است و مردم ایران را در همه جای دنیا به فرهنگ می شناسند، لذا وقتی می خواهیم ویژگی های انقلاب اسلامی ایران را بیان کنیم، آن را بزرگ ترین انقلاب فرهنگی می دانیم. علی القاعده نظام سیاسی برآمده از این انقلاب که با اراده مردم فرهنگی شکل می گیرد، باید برای فرهنگ جایگاه خاصی تعریف کند. ما می بینیم شعارهای مردم، نگاه رهبران و بیان کارگزاران جمهوری اسلامی، همگی اشعار به جایگاه اصلی فرهنگ در نظام حکمرانی ایران دارد.

کارسازی فرهنگ به معنای اینکه حاکمیت چگونه می خواهد حوزه فرهنگ و علم را اداره کند، به گونه ای که ضمن بهره مندی از ظرفیت فرهنگ در اداره کشور، فضای شکوفایی فرهنگی را نیز مهیا کند؛ همیشه مساله جدی پیش روی نظام اداره کشور بوده است. البته اگر اجازه بدهید در ادامه فقط روی فرهنگ تمرکز کنم. شورای عالی انقلاب فرهنگی مسئولیت نقش آفرینی هم در عرصه علم و هم در عرصه فرهنگ دارد. اما بنده تمرکز را روی فرهنگ می گذارم. در نگاهی می گویند: «فرهنگ به معنای اعم آن را می توان شامل علم هم دانست» ولی من فقط در خصوص فرهنگ صحبت می کنم و پیش می روم. از این رو باید بگویم حوزه اداره فرهنگ در ایران: یک بخش حاکمیتی، یک بخش دولتی و یک بخش خصوصی و مردمی دارد. در طول ۴۳ سال عمر جمهوری اسلامی، در هر سه لایه کارهایی انجام داده ایم و اتفاقات قابل توجهی افتاده است. در لایه حاکمیتی، سازمان های متعدد فرهنگی داریم که دارای ظرفیت های بزرگ اجرایی فرهنگی هستند. این سازمان ها در طول سالیان عمر خودشان رشد کرده، توسعه یافته اند و قوت های دارند. لذا امروز دستگاه های اجرایی حاکمیتی فرهنگی متعددی وجود دارند.

با توجه به قدرت قانونگذاری و سیاستگذاری شورای عالی انقلاب فرهنگی، دستگاه های دیگر می توانند کار این شورا را در حوزه فرهنگ انجام دهند؟

نظام اداره فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه دارای سه لایه است: لایه سیاستگذاری، لایه برنامه ریزی و لایه اجرایی. در هر یک از این لایه ها، دستگاه ها و نهادهای داریم که نقش آفرینی می کنند. در لایه سیاستگذاری، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و برخی شوراهای عالی هستند. شاید هیات دولت را نیز تا حدی بتوان در لایه سیاستگذاری تعریف کرد. همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی در این لایه قرار می گیرد. در لایه برنامه ریزی، نوعا دولت را داریم. در دولت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقش پایه و اساسی را ایفا می کند اما مجموعه های دیگری نیز هستند. در لایه اجرایی هم یک سری دستگاه ها داریم که در دولت تعریف نمی شوند. دستگاه های دیگری حاکمیتی هستند؛ به این معنا که ذیل دولت در قامت قوه مجریه قرار نمی گیرند. مجموعه قابل توجهی از دستگاه های فرهنگی مردمی نیز داریم. این دستگاه ها در قالب تشکلهای و مراکز فرهنگی مردمی و خصوصی تعریف می شوند. سمن ها (سازمان مردم نهاد)، مساجد، هیات ها، موسسات فرهنگی و هنری را هم در این مجموعه می بینیم. نوع نقش آفرینی این دستگاه ها بدون ارتباط مستقیم با بودجه حکومتی است. آنها عموما وابسته به منابع خارج از حاکمیت هستند و در حقیقت توسط مردم دنبال می شوند. مشکلات و مسائلی نیز در هر سه لایه وجود دارد که باید توجه ویژه ای به آنها صورت گیرد.

## ۹ مصوبات شورایی تواننده عنوان مبنای قانونگذاری قرار بگیرد

اگر بخواهیم به طور خاص درباره شورای عالی انقلاب فرهنگی صحبت کنیم، نقش شورای عالی در این میان چه بوده است؟

خواستار مقدمه ای عرض کرده و مساله ها را بپایان رسیدن به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی کنم. در لایه سیاستگذاری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، متکفل تدوین سیاست های کلی نظام است. به لحاظ عرصه های سیاستگذاری هم اطلاق دارد، یعنی سیاست های کلی نظام در همه عرصه ها توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام طبق سازوکاری که وجود دارد، تدوین می شود. مجلس شورای اسلامی هم شأن و نقش قانونگذاری دارد. قوانین مبتنی بر اساسی بالادستی نظام هستند. هیات دولت هم اگر نقش سیاستگذاری دارد، نوعا سیاستگذاری اجرایی است. هیات دولت ذیل اسناد بالادستی و قوانین، سیاست های اجرایی را دنبال می کند و معترض سیاست های کلی

نمی شود. قوانین در حوزه مجلس شورای اسلامی قرار می گیرند. حوزه ای که شورای عالی انقلاب فرهنگی دنبال می کند سیاستگذاری حوزه فرهنگ ذیل سیاست های کلی نظام است؛ سیاست هایی که مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین می کند. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می تواند به عنوان یک مبنای قانونگذاری مدنظر قرار بگیرد. بالاخره در سلسله مراتب با سیاست ها، قوانین و مقررات روبه روهستیم.

ما یک تقسیم کار در لایه سیاستگذاری داریم؛ از سیاست های کلی نظام شروع می شود و تا سیاست های حوزه فرهنگ که ذیل سیاست های کلی ادامه می یابد. در ادامه ذیل قوانین، سیاستگذاری سیاست های اجرایی توسط دولت انجام می شود. البته بحثی بین شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی، شورای عالی مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین شورای عالی دولت داریم. این نسبت ها همیشه محل گفت و گو بوده اند. در جایی جمع بندی های مورد تایید همه وجود ندارد. لذا وقتی دقت های لازم در چنین کلمات استفاده نشود، فضای توافقی شکل گرفته به هم می خورد. در لایه سیاستگذاری، دریافت من این بوده، لازم است جایی باشد که برای حوزه فرهنگ به شکل تخصصی، حرفه ای و مبتنی بر ارزش ها و باورهای فرهنگ اسلامی-ایرانی سیاستگذاری کند. این تمرکز و تخصص را در شورای عالی انقلاب فرهنگی جمع کرده ایم. اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوبان رهبر معظم انقلاب هستند و تعدادی از آنها شخصیت های حقیقی محسوب می شوند؛ یعنی افرادی که حوزه علم و فرهنگ را خوب می شناسند و در این حوزه متخصص هستند. این اشخاص نسبت به ارزش ها و باورهای جامعه اسلامی ایران، تعهدی داشته و از طرفی تخصص دارند، لذا آنچه بیان و طرح می کنند به لحاظ هویتی کاملا مبتنی بر آن ارزش ها و باورها است.

بخشی از منصوبان نیز دستگاه های اصلی اجرایی حوزه فرهنگ هستند. به نظر می رسد این ترکیب می تواند تخصص، تمرکز و استمرار را برای ما به ارمغان بیاورد. اما این ترکیب را در مجمع تشخیص مصلحت نداریم چون در مجمع، مشاوران رهبری حضور دارند اما در شورای عالی انقلاب فرهنگی، منصوبان حاضر هستند. در مجلس نیز نوعا به واسطه کثرت مسائل و تنوع موضوعات، امکان چنین میزانی از تمرکز وجود ندارد. لذا یکی از دلایلی که می تواند به نوعی از شورای عالی انقلاب فرهنگی، مطالبه گری جدی برای نقش آفرینی تاثیرگذار در فضای اداره فرهنگ جامعه کند، مختصاتی است که این شورا دارد. این مختصات در لایه سیاستگذاری بی نظیر عمل می کند.

## ۹ کار شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفا ابلاغ مصوبات تمام نمی شود

مساله ای که وجود دارد، این است که هر نهاد سیاستگذاری باید سیاست های خود را در جهت پیاده سازی و اثرگذاری مشایعت کند، یعنی باید سیاست ها را پیگیری کند تا اجرا شود. البته خودش نباید اقدامی برای اجرا انجام دهد. این سیاستگذاری باید مبنای برنامه ریزی قرار گیرد و این برنامه ریزی مبنای اجرا باشد. جریان کاری که باید اتفاق بیفتد را نهاد سیاستگذار باید پیگیری کند. وقتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاستی را تدوین و مصوب می کند، کارش با ابلاغ تمام نمی شود، بلکه باید مسیر ابلاغ تا پیاده سازی را هم رصد و پیگیری کند تا به لایه های پایینی و اجرا برسد. بعد از اجرا توسط دستگاه های اجرایی نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی باید پیگیری کند تا ببیند آیا اهداف محقق شده یا خیر. شورای عالی در صورت لزوم باید چرخه سیاستگذاری را بررسی کند، پس شورا به نحوی در لایه برنامه ریزی نیز حضور دارد.

ممکن است در جایی که ما خلا برنامه ریزی داریم و مجموعه ای نیست تا تکفل این حوزه را برعهده بگیرد، شورای عالی ورود کند اما عموما مجموعه های برنامه ریز را دور هم جمع می کند و به همراهی و هماهنگی در برنامه ریزی می رسند. مساله اصلی ما در اجرا، هماهنگی است. یکی از ظرفیت های جمهوری اسلامی، دستگاه های فرهنگی قوی به شمار می رود. تعداد دستگاه های فرهنگی، یک ظرفیت محسوب می شود اما از آنجایی که این دستگاه ها در جاهایی با یکدیگر هماهنگ عمل نمی کنند، برخی «تعدد» را به معنای تهدید تلقی کرده و می گویند بودجه ما هدر می رود و منابع به واسطه موازی کاری و تعارضات در میدان، بهینه مصرف نمی شود. پس تعدد، خوب نیست. حوزه فرهنگ، حوزه تنوع است لذا «تعدد» بد نیست. هر کشوری رنگ و بو و سلیقه خودش را دارد. مجال بدهیم این اتفاق رخ دهد اما باید برای هماهنگی آنها چاره اندیشی کنیم. این هماهنگی و هم افزایی دستگاه های فرهنگی باید توسط یک نهاد فرادستگاهی، فرافوقی و فرابخشی انجام شود. اگر «دستگاهی» باشد رقابت بین دستگاه ها اجازه نمی دهد. اگر «قوای» باشد، دستگاه های فرهنگی ما گاهی در یک قوه حضور ندارند و دستگاه های خارج از قوه، همراهی نمی کنند. اگر حوزه یک «بخش» خاص از فرهنگ را هم در نظر بگیریم، دستگاه های خارج از آن بخش همراهی نخواهند کرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی، این نهاد فرافوقی است که می تواند مجموعه این دستگاه ها را در جهت اهداف عالی هماهنگ و هم افزا کند. به شورای عالی انقلاب فرهنگی بنا بر تعریفی قرارگاه مرکزی فرهنگی کشور می گویند. این قرارگاه در واقع معنایی دارد. بسیاری